

تعامل بین والدین و مدرسه، یک اصل در تربیت رسمی است. اصلی که به اصطلاح هیچ کس شکی در آن ندارد، اما این اصل تربیتی چگونه تحقق می‌یابد؟ درباره ضرورت‌ها و اهمیت پیوند اولیا و مربیان زیاد سخن گفته شده و البته در هر مدرسه هم، برای عملی شدن موضوع، روش‌ها و راهکارهایی ارائه شده است. از مدرسه، دانش آموز و خانواده به عنوان سه ضلع مثلث تربیت رسمی یاد می‌شود. به عبارتی برای والدین نیز وزنی مشابه دو مولفه دیگر در نظر گرفته می‌شود اما دلایل زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند این مثلث همیشه ناقص بوده و هست: در موارد زیادی از والدین در امور تحصیلی فرزندان‌شان توقعاتی وجود دارد که علمی و منطقی نیست. در عمل، هیچگاه والدین در جریان آموزش فرزندان‌شان به طور جدی به بازی گرفته نمی‌شوند و حتی به روش‌های ممکن سدهایی برای این موضوع پیش بینی می‌شود. رابطه تخصصی و علمی بین والدین و عوامل مدرسه کمتر دیده می‌شود. مدیران و معلمان براساس یافته‌ها و تجربه‌های شخصی خودشان، روش‌ها و پیشنهادهایی را ارائه می‌دهند که مانند قضیه فالگیرها، بعضی موارد درست از آب در می‌آیند و در مواردی هم افاقه نمی‌کند. در هر دوره تحصیلی، به تناسب ارتقای دانش آموز به کلاس بالاتر، از حضور و مشارکت والدین کاسته می‌شود. به عنوان نمونه، در دوره ابتدایی، والدین وقتی

فرزندشان کلاس اول می‌رود با شوق و رغبت مسائل مدرسه‌ای او را دنبال می‌کنند اما با رفتن او به کلاس‌های بالاتر، به مرور حساسیت‌های و پیگیری‌ها کمتر می‌شود. بین نسبت مراجعان به مدرسه و پایه تحصیلی فرزندان رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ هر چه پایه بالاتر می‌رود مراجعه کمتر می‌شود. این نکته در مورد دوره‌های راهنمایی و به خصوص متوسطه هم وجود دارد. در موارد خاص که دانش آموز به نظارت و راهنمایی بیشتری نیاز دارد و به همین نسبت باید در والدین هم آمادگی‌های لازم ایجاد شود، ناکارآمدی‌های مدرسه در این فرآیند، سستی‌های پیوند خانه و مدرسه را بیشتر نمایان می‌سازد؛ مدارس نصیحت و پند را بهتر از رهنمودهای تخصصی و عملی بلد هستند. مدارس از والدین چه انتظاراتی دارند؟

-تأمین هزینه‌ها این داستان قدیمی اگر چه سعی می‌شود کمرنگ شود، ولی همچنان ادامه دارد. در دهه اخیر بنابه دلایلی، شرایطی به وجود آمده که مدارس خواسته یا ناخواسته، تلاش داشته‌اند که نشان دهند اگر والدین را به مدرسه دعوت می‌کنند برای کاری غیر از پول گرفتن است اما در نهایت چه در ثبت نام و چه در ایام سال تحصیلی، در مدارس دولتی و گاهی هم در مدارس غیرانتفاعی، فراخوان‌هایی برای پول گرفتن وجود دارد. دعوا سر پول و قصه کمبودهای مدرسه،

نیاز به تعمیرات، ضرورت مشارکت والدین و غیره، هنوز هم سریالی ادامه‌دار است.

-کمک‌های درسی: توقع کمک والدین به فرزندشان در امور تحصیلی با اندک تفاوت‌هایی در دوره‌های تحصیلی وجود دارد. اگر در دوره ابتدایی توقع می‌رود که والدین به طور مستقیم با دیکته گفتن و تمرین ریاضی به فرزندشان کمک کنند در دوره‌های بالاتر موضوع به صورت غیرمستقیم به معلم خصوصی و آموزشگاه می‌رسد. انتظار کمک و نظارت تحصیلی والدین در دوره‌های راهنمایی و متوسطه، یکی از نکات مبهم و عجیب نظام آموزش و پرورش است. برای دانش آموز دوم دبیرستانی که در فیزیک یا شیمی دچار افت شده است از والدین انتظار چه کمکی غیر از گرفتن معلم خصوصی یا ثبت نام در آموزشگاه می‌رود؟ معلمان و عوامل مدرسه فقط می‌خواهند به والدین ثابت کنند که فرزندشان نیاز به کمک درسی دارد اما چه کاری از والدین ساخته است؟ یک نکته مهم در توقع چنین کمک‌هایی، نادرست بودن اصل موضوع است. سعی در گسترش آموزش‌های مدرسه‌ای به خانه، با رویه‌ای که در ایران بدان عمل می‌شود اقدامی نابجا و غیراصولی است. دانش آموز باید بیش از هر کسی در امور درسی خود پاسخگو باشد و معلم نیز مرجع رسیدگی به موضوع است. اما شریک ساختن والدین در هر دو وجه قضیه، یک بدعت آموزشی نادرست و



انتظارات مدرسه از انجمن اولیاء و مربیان

شورای دانش آموزی

دیرستان خدیجه کبری (س) امام قیس

۹۷-۹۸

-آموزش خانواده: برنامه‌های آموزش خانواده هم کم‌وبیش از علل دعوت والدین برای حضور در مدرسه است که البته در دوره ابتدایی رواج بیشتری دارد. کم و کیف برنامه‌های آموزش خانواده در مدارس ایران جای بحث و ایراد فراوان دارد .

اکثر دعوت‌های والدین برای جلسات آموزش خانواده، غیر تخصصی است. تعداد زیادی از والدین را با مسائل و مشکلات مختلف، در یک مکان گرد هم می‌آوریم و به همه یک نسخه می‌دهیم. مدارس ما، مساله تخصص را بیشتر در دعوت سخنران و مدرس مدنظر قرار می‌دهند و به جنبه‌های دیگر آن کمتر توجه دارند.

-جلسات انجمن اولیا و مربیان: اگر چه در بیشتر موارد جلسات انجمن و اولیا و مربیان به همان جلسه اول مجمع عمومی ختم می‌شود و غیر از والدین عضو انجمن، بقیه دیگر کمتر با عنوان انجمن به مدرسه دعوت می‌شوند با این همه، در بعضی از مدارس به دلایلی عادی یا فوق‌العاده، انجمن، والدین را به مدرسه می‌کشاند. موضوع مجمع عمومی هم داستانی کلیشه‌ای و قابل تامل است. نحوه اداره جلسه، گزارش انجمن سال قبل، یک سخنرانی برای خالی نبودن عریضه و انتخاب اعضای جدید، هیچ کدام جاذبه چندانی برای والدین ندارد و تنها اصرار و گاه اجبار مدرسه است که آنها را به مدرسه می‌برد .

انحراف تربیتی است. وظیفه عمده والدین تامین شرایط مناسب برای درس خواندن فرزندان‌شان است؛ نه همراهی و گاهی همکاری با او.

-بازخواست‌های انضباطی: مشکلات رفتاری و انضباطی دانش‌آموزان یکی از عوامل شایع حضور والدین در مدرسه است. بعضی از والدین کم‌وبیش وعده‌ای هم به طور مستمر بابت مسائل انضباطی فرزندشان به مدرسه فراخوانده می‌شوند. البته ممکن است همه وجوه این قضیه منفی نباشد و به‌عنوان مثال، والدین به‌عنوان شاکی یا رفع سوء تفاهم در مدرسه حضور یابند. بازخواست‌های انضباطی در دوره‌های تحصیلی مختلف، عوامل متفاوتی دارند اما در همه موارد ضعف‌ها و کاستی‌های راهنمایی و مشاوره مدارس یک دلیل اصلی به شمار می‌رود. واقعا در بسیاری از موارد امکانات مدرسه از نظر برخورد‌های مشاوره‌ای با مسائل انضباطی، راه دیگری غیر از بازخواست والدین باقی نمی‌گذارد .

-اطلاع‌رسانی و هماهنگی‌های عمومی: دعوت والدین به مدرسه ناشی از بروز مشکلی نیست بلکه هدف اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌ها و قوانین مدرسه یا هماهنگی‌هایی در موضوع‌های عمومی است. در دوره ابتدایی، دعوت‌های والدین هر کلاس از طرف معلم و یا در دوره متوسطه دعوت‌های موردی یا گروهی برای همراه‌سازی والدین، نمونه‌هایی از این موضوع است .